



انضباط

علی میری

آغاز انضباط:

اینکه برنامه انضباطی از چه سنی باید شروع شود دویاسخ در دو زمینه دارد : ۱- در زمینه انضباطی که سوی والدین در باره

+ بهترین دوره پرورش انضباطی کودکان همان سه چهار سال اولیه زندگی است .

+ تربیت امری تدریجی است و در طول زمان باید در فرد ریشه پیدا کند و اندیشه اش در اذهان استوار گردد .

+ از نظر عالمان تربیت و هم براساس سنت اسلامی ضروری است هرروز یک قانون و یک دستور را به کودک یاد بدهیم تا تدریجا " این امر در او مستقر گردد .

خطا و عمل‌شان زیانبار باشد .

باید آنان را هشیار کرد که همه‌گاه امورشان را براساس جنبه‌های مورد علاقه تنظیم نکنند و آنچه را که بالغان دستور می‌دهند رعایت کنند .

فراموش نکنیم که بهترین دوره پرورش انضباطی کودکان همان سه چهارسال اولیه زندگی است . اگرخواسته‌های آنها را تا این مرحله تحت نظم و مهاردر نیاوریم برای سالهای بعد دچار مشکلات و دشواری‌هایی خواهیم بود . این امر بخصوص از آن بابت است که این‌رشد مرحله‌ه فوق‌العاده‌ای برای تشکیل و رشد شخصیت است و بهره‌چ که عادت پیدا کرد استوار میماند .

انضباط در دوران بلوغ

دوران بلوغ دوره‌ای پراز هرج و مرج است . آشفتگی‌ها و درگیری‌ها همچنان وجود دارد و اختلاف در فکر و سلیقه و روش با والدین و مربیان بروز میکند . اگر پایه‌های اولیه تربیت نیکو گذاشته شده باشد دشواری‌های چندانی با او نخواهیم داشت . ولی اگر دوران گذشته تربیتش بیحساب و بی‌برنامه باشد امید به اصلاح آن کمتر خواهد بود .

نوجوان و بالغ در این مرحله از حیات شدیداً تحت تأثیر و گروه مباشران و همسالان خوداست . معیارها و ارزشها

کودک باید اعمال گردد .

۲- انضباطی که توسط خود کودک باید صورت گیرد و والدین به کنترلش بپردازند . در جنبه اول باید بگوئیم والدین و بخصوص مادر از همان روزهای اول تولد باید امور مربوط به عمل خود در باره کودک را تحت ضابطه در آورد . طفل را بموقع شیردهد بموقع بخواباند ، بموقع بیدار کند ، و به موقع به خشک و ترکردن او بپردازد . هم چنین در آموزش راه رفتن ، سخن گفتن ، دیگر کنترل‌های مربوط بحیات جنبه‌هایی را باید در نظر داشته باشد .

در جنبه دوم باید از زمانی که کودک به مفهوم امر و نهی آشنا میشود ، سخن نمی‌گوید ولی می‌فهمد که پدر و مادر چه میگویند باید مسأله انضباط را مطرح کرد و طفل را وادار به رعایت آن نمود . شاید مراحل اولیه آن در موقعی نتواند صورت بگیرد که پدر و مادر میخواهند ادرار کردن کودک را تحت کنترل در آورند و به بچه هشدار دهند که هر وقت میخواهد ادرار کند نیازش را به پدر و مادر نفهیم نمابه که مثلاً " شلوار او را در آورند و او لباسش را خیس نکند .

میدانیم که کودکان در این سنین بخصوص در سه سال اولیه کارهای خود را براساس آنچه که خود خوب تشخیص داده‌اند انجام میدهند و چه‌بسا که تشخیص شان

براساس آن چیز هائی است که آنها پسندیده و قبول کرده اند. اگر چه این امر باضابطه‌های خانواده مطابق نباشد. آنها در گروه بیشتر انضباط می‌آموزند تا در خانه و مدرسه. براین اساس اگر محیط مباشران ایشان آلوده و یابی انضباط باشد از آنها توقع درستی نمی‌توان داشت.

لذا در این دوره خاص، بر والدین است که کنترل شدیدتری بر معاشران فرزندان خویش داشته باشند.

ضمناً " فراموش نکنیم که امر و نهی‌های سابق در کنترل فرزندان در این سن باید بکناری گذارده شود. با بچه‌ها باید دوست شد و با آنها باید کنار آمد تا در امر تربیت موفق گردیم.

همگامی با آنان، رفق و مدارای با آنها مشاوره و نظر خواهی‌ها، داوری در امور خود میتوانند زمینه را برای انس و الفت بیشتر و در نتیجه رعایت دستورات انضباطی فراهم آورند.

جنبه تدریجی در امر انضباط:

گاهی پدری و مادری را می‌بینیم که چندین سال از امر تربیت فرزند غافل مانده و او را بدست هوی و هوس اوسپرده بودند حال از این غفلت چند ساله بهوش آمده و بیدار شده اند و میخواهند ره چند ساله را یکشبه طی کنند. شروع به

امر و نهی‌ها، قانون گذاری‌ها، اعلام نظر، ذکر ضوابط و مقررات نموده از فرزندان اجرای آنها را خواستار میشود.

ما با کمال صراحت اعلام میکنیم که چنین والدین در اعمال این گونه روش‌ها موفق نمی‌شوند. تربیت امری تدریجی است و در طول زمان باید در فرد ریشه پیدا کند و اندیشماش در اذهان استوار گردد. طفلی که در محیط بی بند و بار رشد کرده و به آزادی بی حساب، خو گرفته هرگز تن به قید و بند با حساب نخواهد داد و خود را در دام و بند دستورات والدین محبوس نخواهد کرد.

حق این است که بار تربیت از همان روزهای اول زندگی بر کودک تحمیل گردد و ذره ذره و اندک اندک طفل را به آن عادت دهیم تا هم سنگینی آن بر او دشوار نیاید و هم بتدریج بدان انس گیرد و عادت پیدا کند. به فردی که تا حال یک وزنه ۵ کیلوئی بلند نکرده نمی‌توانیم باری ۵۰ کیلوئی تحمیل کنیم و یا فردی که تا ساعتی قبل بهرچه که خواسته رسیده است نمی‌توان یکباره از وصول به خواسته‌هایش محروم کرد.

از نظر عالمان تربیت و هم براساس سنت اسلامی ضروری است هر روز یک قانون و یک دستور را به کودک یاد بدهیم تا تدریجاً این امر در او مستقر گردد. و بخصوص این امر باید با نرمش و ملایمت، با زیرکی و

هشیاری باشد. پیامبر اکرم (ص) و اصولاً همه پیامبران دستورات خود را یکباره به مردم ابلاغ نکردند. قرآن در همان روز اول بعثت بر پیامبر نازل شده و او از محتوای آن باخبر بود ولی یکباره آن را به مؤمنان ابلاغ نکرد. بلکه در موقعیتهای مختلف به تناسب موضوع حکمی و دستوری اعلام شد. حتی در زمینه منعها و تحریمها عنایت کنید: حکم حرمت شراب، تحریم ربا بصورتی نبوده است که یکباره اعلام گردد. بلکه بصورت تدریجی و هرکدام در چند مرحله منع شده است. و عملکرد بهمین صورت بوده است درباره عبادات، خودسازی، و...

در اجرای انضباط

در اجرای انضباط بهنگامی که درستی آن را تشخیص داده‌ایم نباید دودلی و تردید بخود راه داد باید آن را اعمال کرد اگرچه از راه زور باشد. مثلاً بهنگامیکه تشخیص دادیم فرزندان ما ساعت ۵ بعد از ظهر باید از کوچه به‌خانه بیایند و یا ساعت ۸ عصر باید شام خود را بخورند، ساعت ۷ صبح باید از خانه به مدرسه بروند در این امر باید با قاطعیت اقدام کرد. جر و بحث زیاد هم فایده‌ای ندارد. البته اگر میتوانیم اوراقع میکنیم ولی درکل ضرورت چندانی هم برای آن

امر نیست.

مخصوصاً "در مواردی باید با قاطعیت عمل کنیم، مثلاً در مواردی که خلاف شرعی در حال صورت گرفتن است، کودک در معرض خطرات، لطمه‌ای بر شرف و شخصیت خانواده وارد می‌آید یا امری غیر قابل تحمل برای پدر و مادر در شرف تکوین و اجراء است. مادرین مورد چاره نداریم جز اینکه قدرت خود را نشان دهیم و جلوی خطر را بگیریم.

از سوی دیگر فرزندان، ناگزیرند در موارد بسیاری فرمان والدین را بدون چون و چرا اجرا کنند، بدون اینکه اطاعت کورکورانه داشته باشند و این امر بدینصورت امکان پذیر است که زمینه عقلانی امر و نهی خود را از قبل به کودکان تفهیم کرده‌اند و آنها دریافته‌اند که ما خطائی در صدور امر و نهی نداریم. در همه حال ضروری است این نکات در اجرای انضباط مورد نظر باشند:

- ۱- اجرای انضباط نباید توأم با خشم و اوقات تلخی باشد.

- ۲- در صورت امکان منطق و استدلال مورد نظر باشد و با عقل سلیم مغایرت نداشته باشد.

- ۳- اجرای انضباط ناشیانه نباشد که عوارض بعدی آن بسیار سنگین و ناگوار خواهد بود و طفل را وادار به انتقام‌گیری

بزرگ‌بهای معلم

محبت با را این همه
تقسیم کنیم

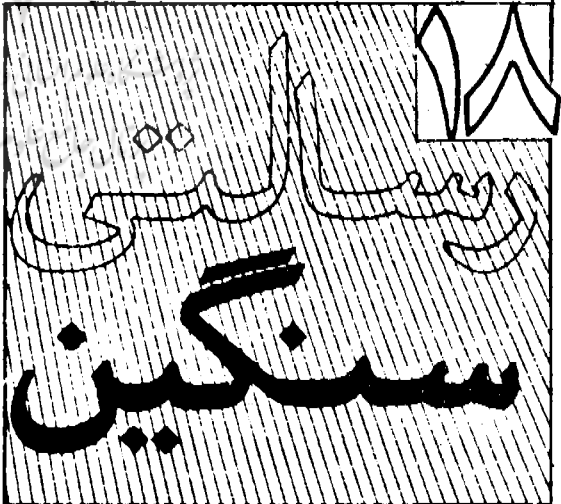
+ کودکان و جوانان با کمترین زمینه‌هایی
بزرگترها را به تبعیض و اجحاف متهم
میسازند .

+ در مواردی که به حقوق انسان تجاوزی به
عمل آید انسان احساس می‌کند که به
موجودیت او توهین شده و احساس پوچی و
هرز بودن می‌نماید .

+ انسانها در برابر یک تبعیض دلشان بدرد
آمده همانند آهن تفتیده سرخ و آتشین
می‌شوند .

حساسیت انسان

برخی از افراد در برابر حوادث سهمناک
و طوفان‌های وحشت‌زای زندگی خود را
نباخته با کمال قدرت با آنها برخورد
میکنند و کمترین خللی باراده استوار آنان
وارد نمیشود. ولی همین افراد طاقت
دیدن یک منظره تبعیض‌انگیز را ندارند.
خواه این تبعیض در گرفتن نمره یا درس
پس‌دادن یا در برخورداری از مهر و محبت
معلم و مربیان باشد. انسان‌ها در برابر یک
تبعیض دلشان بدرد آمده همانند آهن



مجید رشیدپور

تفتیده سرخ و آتشین میشوند .
تبعیض آنچنان ناراحت کننده است که
اگر اجحاف در باره سایر افراد نیز اجراء
شود باز دل آدم بدرد آمده بجوش و
خروش در خواهد آمد .

در اینجا این سؤال مطرح میشود چرا
انسان ها در برابر تبعیض اینطور حساسیت
دارند در پاسخ باید گفت در مواردی که
بحقوق انسان تجاوزی بعمل آید انسان
احساس میکند که بموجودیت او توهین شده
احساس پوچی و هرز بودن مینماید .

ناراحتی هایی که از این رهگذر عاید انسان
میگردد اثرات نامطلوبی در ذهن و روان
باقی گذاشته پس از سالیان سال فراموش
نمیگردد .

یکی از دانش آموزان مدرسه میگفت من
هرگز معلم خودم را نخواهم بخشید زیرا
همیشه بین شاگردان کلاس استثناء قائل
شده حقوق بسیاری از شاگردان را پامال
میکرد با شاگردان مستضعف و روستائی
هیچگاه هم صحبت نمیشد .

شاگرد دیگری میگفت : معلممان همانطور که
از نظر آموزشی مکلفند همه شاگردان را زیر
پوشش آموزشی خود در آورند از نظر
تربیتی و عاطفی چرا محبت های خود را
بین همه شاگردان بطور مساوی تقسیم
نمیکنند ! از این گذشته اگر دانش آموزی از
نظر استعداد و هوش متوسط یا ضعیف باشد
چرا باید از مهر و محبت معلم محروم بماند
عقب ماندگی هوشی او که در اختیار او



پیدایش این نوع پرخاشگری میگردد بدون تردید احساس کمبود و حسادت‌ها و در برخی از موارد هم توهم تبعیض و بی‌عدالتی‌هاست.

از داستان یوسف صدیق و برادران بخوبی میتوان استنباط کرد که اساساً کودکان و جوانان با کمترین زمینه‌هایی بزرگترها را به تبعیض و اجحاف متهم میسازند.

و این هوشیاری و دقت معلم است که رفتارشان را با شاگردان آنچنان عاقلانه تنظیم نماید که همه عوامل توهم را از طرف ساخته همه شاگردان خود را مورد توجه و التفات معلم احساس نمایند.

امام جعفر صادق علیه السلام میفرمود:
 «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُقَسِّمُ لِحَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَيَنْظُرُ إِلَى ذَاوِ يَنْظُرُ إِلَيْهَا بِالسُّوْبَةِ يَعْنِي رَسُولَ خُودَا بِرَاعِيَةِ اَصُولِ عَدَالَتِ وَا عَدَمِ تَبَعِيضِ نَظَايَا وَا تَوَجُّهِيَا خُودَا مِيَا يَارَانِشِ تَقْسِيْمِ مِيكَرْدِ گَايَا بَايَنْطَرَفِ وَا گَايَا بَا نَظَرَفِ نَگَايَا مِيكَرْدِ اَزِ اِيْنِ حَدِيْثِ نَكَاتِ بَرَجِسْتَه تَرْبِيْتِي اَسْتِنْبَاطِ مِيكَرْدِ.»

۱- پیامبر اسلام که برای همه انسان‌ها نقش الگو و مدل را دارا میباشند عملاً بهمه معلمان و مربیان و پدران و مادران توصیه مینمایند که در جمیع شوون زندگی خواه خانوادگی یا اجتماعی باید با انسانها رفتاری یکسان و یکنواخت داشت

نمیشد او اضافه میکرد: اگر کودکی در کلاس کودن یا ضعیف باشد کار صحیحی نیست که معلم او را بحال خود رها ساخته بآموزش او نپردازد این بی‌اعتنائی خود یک نوع اجحاف و تبعیض محسوب میگردد.

زمینه‌های انحرافی

بدون تردید همه شاگردان یکسان و یکدست نیستند عوامل اقتصادی و فرهنگی و محیطی و تربیتی آنان را از یکدیگر جدا میسازد برجستگی‌هایی که در رفتار و کردار شاگردان بحشم میخورد ناخود آگاه معلمان را تحت تأثیر قرار داده آنان را ممتاز میگرداند.

همین امتیازات طبیعی سبب برقراری ارتباط میان معلم و شاگرد میشود در نتیجه معلمان بطور نا خود آگاه به تبعیض متهم میگردند.

بطور قطع و مسلم هیچیک از معلمان و مربیان راضی نیستند که رفتارشان تبعیض‌انگیز باشد ولی برجستگی‌های طبیعی و امتیازات رفتاری و فکری دانش آموزان سبب میشود که معلم با چنین شاگردان روابط خاص آموزشی و عاطفی برقرار سازد. باتحقیق و بررسی میتوان استنباط کرد که شاگردان ممتاز و برجسته در پرتو همین روابط همیشه مورد تعرض و ستم دیگر شاگردان قرار می‌گیرند عواملی که موجب

تا توهم تبعیض از بین برده شود .

نظر درسی ضعیف و یا کودن باشند .

۲- انسان ها همه مخصوصاً " کودکان و نوجوانان حساسیت فوق العادمای نسبت به تبعیض دارند بزرگترها باید مراقبت کنند تا مبادا با یک اشتباه به تبعیض منتهم گردند .

۴- درخاتمه فراموش نکنیم همانطور که خود ما راضی نیستیم در باره ما تبعیض انجام گیرد سعی و تلاش کنیم در باره کودکان و شاگردان که حساسیت آنان چندین برابر است رفتاری که استشمام تبعیض و استثناء از آن شود نداشته باشیم .

۳- همانطور که رسول خدا نگاههای خود را بین همه تقسیم میکرد معلمان و مربیان بکوشند شادی و نشاط و مهر و محبت خود را میان همه شاگردان بطور مساوی تقسیم نمایند اگر چه برخی از دانش آموزان از

و این واقعیت وقتی عملی خواهد شد که طبق فرمایش رسول خدا آنچه را که برای خود نمی پسندیدیم برای دیگران نیز نپسندیم .

بدون تهذیب علم

توحید هم به دردمی خور .

« امام خمینی »

بزرگیهای بیت اسلم

روابط مؤمنان بر اساس برابری و برادری است



+ ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا (موافق حکم خدا) گواهی دهید . هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد .

+ " قیام به قسط و شهادت برای خدا " ضامن اجرایی در درون ما پدید می آورد که بوسیله آن بر خودمان نظارت داشته باشیم و اجرای امر خدا را بزرگتر از هر گونه خویشاوندی

تبعیض یا تفرقه برای کسی که از قوانین اسلام تخطی کرده نمیشود . و حقوق کیفری

مؤمنان در پیشگاه قانون برابرند ، و خویشاوندی ، اشرافیت و ریاست موجب

برای همگان یکسان است .

در یک دستور کلی به همه امر می کند که به قسط عمل کنند . و خویشاوندی باعث نشود که از میزان عدل یا فراتر نهند فرمان چنین است (۱) : ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید . و برای خدا (موافق حکم خدا) گواهی دهید . هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد . برای هر کس شهادت می دهید ، چه فقیر باشد یا غنی نباید طرفداری کنید . (از حق عدول نمائید) که خدا به رعایت حقوق آنها اولی است . پس پیروی هوای نفس نکنید (در حکم) ، تا عدالت نگاه دارید . و اگر زبان را در شهادت بگردانید (سخن بر نفع شما مبهم و مجمل شود) یا از بیان حق خودداری کنید ، خدا به هر چه کنید آگاه است .

بر این اساس خویشاوندی را در دادرسی نباید منشاء اثر قرار داد و اجرای این امر قدرت تربیتی و اخلاقی بالا و والائسی می خواهد . و تجارب خانوادگی و مشاهدات ما از مسئولان دوائر دولتی در حکومت پیشین و بقایای آن در حال حاضر نشان می دهد که از خویشان جانبداری می شده . اگر فرزند یا پدر و مادر کسی جرمی می کرده و آن فرد حکمی یا شهادتی میداده ، حکم و شهادتش با زمانی که همین جرم را افراد بیگانه می کرده اند یکسان نبوده . اما اکنون اگر دولت در اختیار ما چیزی را

ببندد تا میان مردم به عدالت توزیع کنیم یا مسوئولیتی بدهد تا جمعی را بکار دعوت کنیم و مزایائی به آنان بدهیم چنانچه صرف خویشاوندی و آشنائی را منشاء اثر فرار ندهیم و به خویشاوند و بیگانه یکسان بنگریم از تربیت و اخلاق اسلامی بهره مند هستیم . تشخیص این عدالت را در درجه اول خود فرور می تواند بدهد . و از فرد فرد خواسته شده که درون خود را نظارت و کنترل کنند . و میزان را حق و عدل که خداوند معلوم داشته است ، بدانند . و اگر جزاین شد از هوای نفس پیروی کرده اند . از این کنترل نفس و بررسی احوال درونی می توانیم دریابیم که در چه درجه ای از ایمان و اخلاص هستیم . دوم اینکه خود در درون ، معلم خودمان هستیم . و آنچه را که خداوند گفته است مستمرا "بـه خودمان می آموزیم یا بتعبیر دیگر بخودمان یادآوری می کنیم . سوم اینکه دستور ، ((قیام به قسط و شهادت برای خدا)) ضامن اجرائی در درون ما پدید می آورد که بوسیله آن برخودمان نظارت داشته باشیم . و اجرای امر خدا را بر هرگونه خویشاوندی و آشنائسی و بستگی و رودربایستی ، مقدم شمیریم .

در اینکه همگان در قبال قانون متساوی اند می فرماید (۲) : حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند و چشم را در برابر چشم ، بینی را به بینی

گوش را به گوش، دندان را به دندان .
 و هر زخمی را قصاص خواهد بود .
 این آیه مساوات را در حد عالی خودش
 در میان انسانها می نمایاند . و در عین
 حال حرمت و شرافت انسان را در جهان
 هستی و بر روی کره زمین نشان میدهد و
 امتیازات خون و رنگ و نژاد و ملیت را
 منتفی می سازد . و تربیت شدگان مکتب
 اسلام این چنین به مقام انسانیت و
 انسانها می نگرند .

در شرافت انسانها که به اعتبار مخلوق
 بودن آنهاست می فرماید (۳) من مثل شما
 بشری هستم ، که به من وحی میشود ، که
 خدای شما خدائی است یکتا ، و هر کس به
 بقاء او امیدوار است باید نیکوکار شود . و
 هرگز در پرستش خدا هیچکس را با او شریک
 نگرداند .

همانطور که عظمت شأن رسول الله در
 اثر عمل صالح حاصل شده ، شأن و شرف
 هر یک از انسانها در سایه عمل صالح حاصل
 میشود ، و در گرو پرستش خدای واحد است .
 و رسول خدا هر آنچه را به مسلمانان دستور
 داده است خود بنحو کامل اجرا فرموده
 است و در عیب و ورعیت خداوند از هر
 مؤمنی دقیقتر و فداگراتر بوده است . در
 این زمان هم رهبر جمهوری اسلامی ما
 سخنی بدین مضمون فرمودند : دادگاهها
 حتی اگر من برخلاف قانون عمل کنم مرا
 احضار نمایند .

یک وجه ممیز برای تقدم در اسلام در
 مقام مقایسه میان مؤمنان وجود دارد ، و
 آن تقوی است . و خداوند فرمود (۴) گرامی
 ترین شما نزد خداوند باتقواترین
 شماست . این ضابطه ارزش سنجی بمنزله
 نیروی محرکی برای تربیت شدن و سپس
 برای تربیت کردن است . و همه کس بر اساس
 استعداد ذاتی که داراست می تواند در
 میدان تقوی گام بجلو نهد .

—————
 برادری

إِنَّمَا الْمَوءَمِّنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ
 وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵)

همانمؤمنین برادر یکدیگرند پس بین
 برادران اصلاح کنید . و از خدا بیروانمائید
 شاید مورد رحمتش قرار گیرید .

یکی از رهنمودهای تربیتی که از این
 آیه می گیریم اینستکه میان مؤمنان
 خصومت ریشه داری وجود ندارد که مایه
 اختلاف آنها شود . و چنانچه نزاعی میان
 آنان در گرفت . واجبست میان خود
 صلح برقرار نمایند . و بر دیگران نیز که
 خودشان یکی از طرفین دعوا نیستند
 واجبست موجبات برقراری صلح را
 فراهم کنند و میانجی گری نمایند . زیرا
 در هر حال نزاع و اختلاف موجب ضعف
 است و فشل می آورد . در حالیکه خدا
 می خواهد همگی به ریسمان واحد چنگ
 بزنند ، و متفرق نباشند !

وجوه مشترکی که برادری را میان مؤمنان بوجود می آورد ، همان اعتقادات مشترکی است که میان مؤمنان است . این معتقدات عبارت از توحید ، نبوت و معاد و سپس احکام عملیه نظیر نماز و حج و جهاد و غیره است . در سایه این معتقدات مشترک است که مؤمنان بصورت اجتماعی متشکل و مقتدر درمی آیند ، و می توانند بر علیه کفر و مظاهر کفر که سلطه گری ، تجاوزکاری استثمار و استکبار است — مبارزه بر خیزند . و براین اساس اینگونه اتحاد نعمت بزرگی است و اینگونه الفت وهم آهنگی نعمت خدا است که حاصلش برادری است و خداوند می فرماید :

بیاد آرید نعمت خدا را که شما با هم دشمن بودید ، خداوند در دل های شما الفت افکند همه برادر دینی یکدیگر شدید .

براین برادری آثاری مترتب است و از امام صادق در اصول کافی نقل شده است آنرأمی یابیم : امام می فرماید مؤمن برادر مؤمن ، و چشم او ، و راهنمای او است ، باو خیانت و ظلم نمیکند ، اورا فریب نمی دهد ، و اگر وعده ای باو داد خلف وعده نمی کند .

همچنین در نهج الفصاحه ۴۸۶ آمده است ؛ تا هنگامیکه شخصی به یاری برادر خویش می پردازد ، خداوند یاوراوست . باتوجه به اهمیت اخوت ، اگر ما یکی از هدفهای مهم تربیتی اسلام را ایجاد

برادری و برابری در میان افراد و مخصوصاً جوانان و نوجوانان مسلمان بدانیم سخن مستندی گفته ایم .

(۱) نساء $\frac{۴}{۱۳۳}$ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِآلِفِطْرِ شَهَادَةِ اللَّهِ وَلِوَعْلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوَالِدَيْهِ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا ۗ مَا لِلَّهِ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعَرَّضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْلَمُونَ خَبِيرًا .

(۲) مائده $\frac{۵}{۴۵}$ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأَذْنَ بِالْأَذْنِ بِاللِّسَنِ بِاللِّسَنِ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا .

(۳) كهف $\frac{۱۸}{۱۱۰}$ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ ۚ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا ۖ وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا .

(۴) ————— إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ

(۵) حجرات $\frac{۴۹}{۱۰}$

بررسی مسایل جنسی نوجوانان

پداس جهانگیر

بلوغ :

بلوغ در لغت به معنای رسیدن و در اصطلاح زیست شناسی رسیدن به مرحله تولید مثل است. در روانشناسی به مرحله ای از عمر بین سنین ۱۲-۱۵ سالگی اطلاق میگردد و از نظر اسلام رسیدن به سن معینی (۹ سال در دختران و ۱۵ سال در پسران) و یا ظهور عادت ماهیانه و احتلام است و بالاخره بلوغ یکی از شرایط تکلیف بشمار میرود. در عین حال باید دانست که بلوغ امری است تدریجی و نه دفعی.

علائم بلوغ

علائم بلوغ معمولاً "به دودسته" پیدا و ناپیدا تقسیم می شود. علائم ناپیدا از قبیل ترشحات بعضی غدد و تولید هورمونها تغییر ترکیب بیو شیمی خون، تغییر تدریجی صدا از صداهای زیر کودکانه به صدای کلفت و امثال آن.



نمایند، بایستی جلوگیری بعمل آورد. از آنجائیکه نوجوانان در این سنین جست و خیز و تحرک زیادی دارند، جیره غذایی آنها تقریباً برابر با غذای بزرگسالان می شود.

در این دوران به علت تحرک و بازی تفریح بیشتر شده، لذا حداقل هفته‌ای دو بار حمام توصیه می شود. در ضمن غسلهای واجب را بایستی به آنان آموخت تا علاوه بر استحمام به هنگام غسل نمایند.

خواب

در سنین نوجوانی حداقل ۹ ساعت خواب لازم است. مناسبانه بعضی از نوجوانان بخصوص در فصل امتحانات هفته‌ها با خوردن قهوه و احياناً بعضی داروها سعی می کنند از خواب خود بکاهند و از این لحاظ به سلامتی خویش لطمه می زنند که بایستی آنان را منع کرد.

خوابگاه نوجوانان بایستی جدا و در عین حال اطاقهای در بسته نباشد. به عبارت دیگر اطاقهای در بسته ممکن است وسیله‌ای برای خود ارضائی آنان قرارگیرد. بطور کلی خویست نوجوانان در رختخواب قبل از خواب رفتن زیر نظر ناظر محترمی باشند. باید به آنان آموخت حتی الامکان به پهلوی بخوابند و از دمر خوابیدن احتراز کنند. تختخواب نوجوانان نبایستی از پارچه‌ها

علائم و تغییرات پیدا از قبیل بزرگ شدن بعضی اندامها (سینه در دختران)، رویش مو در بعضی از نقاط بدن، احتلام (در پسران)، عادت ماهیانه (در دختران) و سرانجام رشد بارز و چشمگیر عمومی بدن در سنین نوجوانی میباشد.

گاه اتفاق می افتد که بعضی از استخوانها در یکسال ۵ سانتی متر برطولشان افزوده میگردد و اگر رشد سریع استخوانها با عضلات و پوست هماهنگی نداشته باشد نوجوان دچار دردهای عضلانی میگردد که اغلب زود گذراست. نوارهای تاریک و روشن کشاله‌های ران در بعضی از نوجوانان مربوط به همین امر است.

احتیاجات جسمی نوجوانان:

رشد سریع و چشمگیر نوجوانان مستلزم امکانات مساعدی میباشد مثلاً "از نظر تغذیه نوجوانان بیشتر به مواد سفیده‌ای و املاح کلسیم احتیاج دارند. بنابراین برای اینکه در امر رشد آنها اختلالی ایجاد نگردد در این دوره باید از شیر، تخم مرغ، گوشت، سبزیجات (۱) و میوه‌های تازه استفاده کنند و به اندازه کافی از مواد فوق الذکر در جیره غذایی آنان منظور کرد. اگر بعضی از نوجوانان در خوردن غذاهای محرک از قبیل سیر، پیاز و ادویه‌جات تند و غذاهای بسیار چرب و شیرین افراط

سن بلوغ

ظهور اولین احتلام در پسران و عادت ماهیانه در دختران به عواملی از قبیل نژاد آب و هوا، تغذیه و حتی آداب و سنن و مذهب بستگی دارد.

در بعضی از نژادها و در بعضی از نقاط کره زمین مثل نژاد عرب و مناطق استوایی، دختران در حدود ۹ سالگی و پسران بین ۱۲-۱۳ سالگی بالغ می‌شوند. و بالعکس در بعضی از نژادها و مناطق مانند ممالک اسکانندیناوی بخصوص کوههای شمالی سوئد و نروژ دختران بین ۱۸-۱۶ سالگی و پسران بین ۲۲-۲۳ سالگی بالغ می‌شوند. تغذیه و بخصوص استفاده از غذاهای هورمون دار ممکن است سن بلوغ را جلو ببرد. آداب و رسوم و مذهب در جلو انداختن بلوغ اثر دارد به عنوان مثال در محیطهای بی‌بند و بار نوجوانان با دیدن مناظر سکسی و فیلم‌های محرک آنچنانی بلوغشان زودتر از حد معمول ظهور می‌کند. چندسال پیش متخصصین انگلیسی با دلائل و شواهد کافی ادعا کرده بودند در انگلستان به علت وفور فیلم‌های سکسی و تحریکات محیطی در طول ۴۰ سال سن بلوغ یک سال به جلو رفته و در دختران از ۱۲ به ۱۳ سال رسیده و معتقد بودند اگر چنین روشهایی ادامه پیدا کند نسل جوان

و مصالح ابریشمی و بسیار نرم که اغلب محرک است باشد.

در خانواده‌هایی که بحکم ضرورت همگی در یک اطاق می‌خوابند می‌باید رختخوابها از یکدیگر جدا باشد و پدر و مادر بهیچوجه نباید در چنین اطاقها به زعم اینکه بچه‌ها خواب هستند به اعمال زناشویی مبادرت کنند.

نوجوانان در هنگامیکه میل به خواب ندارند نباید اجباراً به رختخواب بروند. بهتر است که قبل از خوابیدن به اندازه کافی ورزش و کار کرده باشند که به محض ورود به رختخواب به خواب روند. بالاخره باید بدانیم که بیدار ماندن طولانی در رختخواب زیان آور و اغلب موجب فرورفتن در رویاها و نهایتاً منجر به خود ارضائی می‌شود.

لباس

نوجوانان معمولاً به لباسهای تنگ و قالبی و رنگهای روشن و خیره کننده علاقه نشان می‌هند. لباسهای تنگ و قالبی علاوه برآنکه اختلالاتی در رشد پدید می‌آورد، موجب تحریک نوجوانان نیز می‌شود.

لباس زیر نوجوانان نباید از پارچه‌های نرم و لغزنده و درعین حال تنگ و قالبی باشد. مناسبترین لباس زیر برای نوجوانان لباسهای کتان و پنبه‌ای و کمی هم گشاد می‌باشد.



آنان دچار بلوغ زودرس می‌شوند. (۲)
برعکس نوجوانی که در محیط مذهبی بزرگ
می‌شود قلبش به نور ایمان منور گشته،
محرمات و معاصی را شناخته و از
ارتکاب آنها روی‌گردان میگردد. و نیز
واجبات را دانسته و به انجام آن راغب
می‌شود.

ورزش و بازی:

ورزش و بازی، گردش و تفریح یکی از ضروری
سترین حوائج نوجوانان درسین بلوغ است
بهیچوجه نباید آنان را از بازی و ورزش
منع نمود، بلکه باید آنان را با مناسبترین
بازیها و ورزشها آشنا کرده و وسایل و
امکانات بروزو ظهور رشد طبیعی آنان را
فراهم کرد. از ورزشها و بازیهای خطرناک
باید آنان را برحذر داشت. گردش و تفریح
و مسافرت یکی از لذت بخش ترین چیزها
برای نوجوانان است. نوجوانان علاقه
عجیبی به سیاحت و گردش از خودنشان
میدهند. آنان مایلند نقاط تازه دنیا و
شهرهای مختلف را ببینند و با فرهنگ و
آداب و رسوم مردمشان آشنا شوند و این
سائقه مسافرت و جهانگردی در بعضی از
نوجوانان بقدری قوی است که گاهی اوقات
موجب فرار آنها از خانه و دیار خود
می‌شود. بنابراین چه خوبست که در
مواقع مقتضی آنان را به شهرهای مختلف

نوجوانی که در محیط مذهبی بزرگ میشود قلبش
به نور ایمان منور گشته و محرمات و معاصی را
شناخته و از ارتکاب آنها روی‌گردان میگردد.
نیز واجبات را دانسته و به انجام آن راغب
میشود.

برده و یا برنامه هائی بصورت گردش
علمی و یا اردو در نقاط مختلف مملکت
برای آنها تدارک ببینیم.



پوشاک گلستان

از وادی سینه پستی بار زره شوره
 غوغای دوباره نم باران سوغ و ماتم
 ما از عشیره خون روئین را زنجیری جنون را
 تا ریخسان گواهدت کیم در دیده تنان عشقم
 هرگز نمی تواند این باغ را بگریز
 آتین اگر بریزد خون ستاره، غم نیست

بر جمع همسرایان بر خصل
 کز هجرت شقایق یازش بود خبرها
 چاروش این شهیدان، غنساله پدرها
 از اسیر مایچه تفاوت از باغ حق ثمرها
 ما نیم در مصافت ایثارمان سپهرها
 شمشیر ما فروشان سالوسفتنه گرها
 هر وطن آتش افزود با یاری تیرها
 نطقان سوزندگرموغان ایگونه بال و پرها
 باشد تیان تیره آستین سحرها
 بسیار باهنرها

سالها دل طلب جام جم از ما میکرد
 گوهری که صدف کون در مکان بر زون بود
 مشکل خویش بر پیه مغان بودم درش
 دیدمش خرم و خندان قرح با دوه بدست
 گفتم این جام جهان بین تو کی داد حکم؟
 بیدلی در همه ایام خدا با او بود
 آن همه شعبده ما عقل که میکرد اینجا
 گفت آن یار کرد گشت سر در بلندت جامع علوم انسانی و مطالعات
 جز مش این بود که اسرار نبویا میکند
 فیض روح القدس از باز مد فرماید
 دیگران هم مکنند آنچه میخا میکند

گفتم سلسله زلف تان از پی چیست؟

گفت حافظ کله ای از دل شیدا میکند

شخصیت کو دک چطور بہ کمال می رسد؟



خوی، هوش، احساسات، طرز فکر
دلبنسنگیها، عقاید و آرزوهای او می گردد.
شخصیت فرد بوسیله تمایلات او و مسیری

کلمه ((شخصیت)) نشان دهنده تمام
حالات نفسانی شخص است و شامل مزاج

اول زندگی کودک از او مراقبت می‌کنند
در شخصیت او بسیار ناء شیر می‌گذارد. این



شخص مادر یا کسی است که جای پادر را
گرفته‌است. تماس دائمی با مادر یا پسا
جانشین مادر (دایه) و مورد محبت و
مراقبت او بودن، موجب می‌گردد که کودک
احساس امنیت کند و بیاموزد که خود
بدیگران محبت نماید. اگر کودک درست
در هنگامی که می‌خواهد دوست داشتن

که این تمایلات در آن شکل می‌گیرد
شناخته می‌شود.

تکامل شخصیت قسمتی مربوط به صفات
اختصاصی ارثی است و قسمتی به تجربه و
تربیت ارتباطی می‌یابد. کودک خصوصیات
بدنی، مزاج، هوش و استعداد نهانی و بالقوه
خود را از پدر و مادر به ارث می‌برد. اینها
ماده خام شخصیت او را شکل می‌دهند
نحوه برخورد کودک را با جهان خارج
تعیین می‌نمایند. مثلاً "کودک برونگرا
آسانتر از کودک درونگرا می‌تواند با افراد
دیگر دوستی برقرار کند و کودکی که دارای
روحیه بسیار حساسی است بیشتر تحت
ناء شیر محیط قرار می‌گیرد تا کودکی که کمتر
حساس است. به دلیل این تفاوت‌های
فطری. قطعا نمی‌توانیم بگوئیم که فلان
پدیده معین دقیقا همان ناء شیری را که
بر این کودک می‌گذارد بر دیگری نیسز
خواهد گذاشت. بعنوان مثال. این
حقیقت که کودکی نتواند به استقلال مورد
علاقه خود دست یابد ممکن است موجب
تمرد او از قدرت موجود گردد. ولی همین
عامل ممکن است در کودکی دیگر باعث
شود که او علاقه خود را نسبت به استقلال
یافتن از دست بدهد و تابع و فرمانبردار
دیگران گردد.

ناء شیر مادر

خوب می‌دانیم شخصی که در چند سال

مادر را بیاموزد از مادرش جدا گردد ممکن است تکامل عاطفی او دچار اشکال گردد .
کودکان نوسالی که برای مدتی طولانی از مادرانشان جدا می‌شوند ممکن است احساس عدم امنیت نمایند و اگر آنها دائما " از این دست به آن دست بگردند و هر چند گاهی با کسی باشند شاید امکان این را که واقعا " بکسی علاقه‌مند شوند از دست بدهند و دچار حالتی گردند که به آن ((خوی بی‌مهری)) می‌گویند .

چنین کودکان ، کودکان ناسازگارند و توجهی به این که چگونه با سایر مردم رفتار می‌کنند ندارند و به این موضوع کسبه دیگران در باره آنها چه نظری دارند اهمیت نمی‌دهند . و از آنجا که بدیگران ایمان و عقیده ندارند . با سوءظن به محبت آنها پاسخ می‌دهند و حتی به افرادی که نسبت به آنها محبت می‌ورزند آزار و صدمه می‌رسانند .

میزان صدماتی که از جدا کردن کودک از مادر یا جانشین مادر به او وارد می‌آید وابسته بچند عامل است مانند : مدت جدائی ، سن کودک در زمان جداشدن ، نوع ارتباط و وابستگی کودک نسبت به مادر قبل از جدائی از او و نحوه رفتار با کودک در دوران جدائی . آنچه ((خوی بی‌مهری)) نامیده می‌شود احتمالا در مواردی تحقق می‌یابد که کودک هرگز نتوانسته باشد با شخصی برای مدتی طولانی زندگی کند و در

نتیجه نتوانسته باشد با او دوست شود و دوست داشتن را بیاموزد . چنین کودکانی را کودکان ((بسیار محروم)) می‌نامند زیرا از احساس محبت و امنیتی که بدان نیاز دارند محروم و بی نصیب مانده‌اند . اگر کودک پیش از جداشدن از مادر مورد مراقبت کسی قرار گیرد که قبلا " او را می‌شناخته‌است در اینصورت آثار زیان‌بخش جدائی از مادر کمتر خواهد بود . جدائی‌هایی که پس از سه سالگی پیش می‌آید معمولا آنقدر که جدائی در سالهای پائین‌تر برای شخصیت کودک اثر نا مطلوب در بردارد زیان آور نیست .

به کودکانی که در دوره نوجوانی موقتا " از مادرانشان جدا شده‌اند می‌توان عنوان ((نیمه محروم)) داد . این اصطلاح را در مورد کودکانی که گرچه با مادرانشان زندگی می‌کنند ولی مورد بی توجهی قرار می‌گیرند و احساس می‌کنند که دوستشان ندارند نیز می‌توان بکار برد . کودکان ((نیمه محروم)) دارای شخصیتی نگران و دلواپس می‌گردند و نگرانی و اضطراب خود را ممکن است بصورت‌های مختلف جلوه‌گر سازند . برخی ممکن است مهاجم و تجاوز کار گردند ، بعضی ممکن است بسیار خواهشگر شوند ، اینان همیشه در صدد جلب توجه دیگرانند و می‌کوشند تا مورد محبت مردم قرار گیرند و برخی چنین طرز فکری پیدا میکنند که : ((مردم

آنچه را من می‌خواهم بمن نمی‌دهند
بنابراین بهر چه دست بیایم آنرا برخواهم
داشت)). این طرز فکر در بعضی از موارد
ممکن است موجب دزدی گردد و یا بصورت
خود پسندی یا حرص بر چیزهایی از قبیل
غذا، پول یا املاک جلوه‌گر شود.

تأثیر پدر

پدر معمولا در دو سه سال اول زندگی
کودک تأثیر زیادی در تکامل او ندارد ولی
هر قدر کودک بزرگتر می‌شود اهمیت تأثیر
پدر افزایش می‌یابد. پدر کسی است که
بیش از هر فرد دیگری می‌تواند فقدان محبت
مادر را جبران کند و یا احتمال قوی کسی
است که می‌تواند مانع اطاعت بسیار مادر
از کودک گردد و از لوس شدن او جلوگیری
نماید.

پدر کسی است که نمونه‌ها و الگوهای از
رفتار مردانه را به پسر خود می‌آموزد. اگر
پدر مورد احترام و تحسین پسر قرار گیرد
فرزند سعی می‌کند از پدر تقلید نماید و
هرگاه پدر چنین وانمود کند که پسرش مایه
سرکشنگی او است، پسر دچار احساس
حقارتی خواهد شد که ممکن است در تمام
طول عمر در او باقی بماند. نحوه رفتار
پدر با دختر، در چگونگی نظر او نسبت
بخودش بعنوان جنس مؤنث و نسبت به
جنس مخالف (مرد) بسیار مؤثر است.
پدری که صریحا "عدم رضایت خود را از



داشتن دختر بجای پسر اظهار می‌دارد
ممکن است موجب گردد که دخترش از زن
بودن خود احساس شرمندگی نماید و
نتیجه‌اش این خواهد بود که می‌کوشد تا
مانند پسران رفتار نماید. و پدری که بسا
دختر خود بی‌مهری می‌کند ممکن است
باعث بی‌اعتمادی او نسبت به مردان
گردد.

پدر معمولاً "نماینده" قدرت در خانواده است. بنابراین، بسته به اینکه از این قدرت چگونه استفاده شود کودکان خواهند آموخت که آیا باید به قدرت اعتماد کنند و احترام نهند یا از آن بترسند و نفرت داشته باشند. این طرز تلقی از قدرت (که پیامش در خانواده نهاده می‌شود) بهر کسی که بعدها در سراسر زندگی بر کودکان قدرت بیابد منتقل می‌گردد.

تکامل وجدان اخلاقی

نحوه رفتار پدر و مادر با کودک نه تنها بر عقیده و طرز فکر او نسبت بسایر مردم تأثیر می‌گذارد بلکه در ایجاد آن قسمت از شخصیت او که آنرا ((وجدان)) می‌نامیم نیز مؤثر است. کودک همراه با ((وجدان)) زاده نمی‌شود. در هنگامی که نوزاد است بوسیله اصل ((رنج - خوشی)) هدایت می‌شود معنی ساده این اصطلاح اینست که می‌کوشد تا هرچه برای او لذت بخش است انجام دهد و از انجام آنچه دوست ندارد دوری نماید. ولی خیلی زود می‌فهمد که برخی از اعمال او مورد قبول پدر و مادر واقع می‌گردد و برخی دیگر با عدم تصویب و قبول آنها مواجه می‌شود. هر قدر علاقه او نسبت به پدر و مادرش بیشتر می‌گردد اهمیت تصویب و جلب نظر آنها برایش افزایش می‌یابد و در نتیجه

می‌کوشد تا آنها را راضی و خشنود گرداند. اطاعت و فرمانبرداری کودک از پدر و مادر در مراحل اولیه وابسته به حضور آنها است و ممکن است هنگامی که آنها حضور ندارند دست به کارهایی بزند که از آنها منع شده‌است. ولی هر قدر کودک بزرگتر می‌گردد کم کم سعی می‌کند تا خود را با پدر و مادرش تطبیق دهد و یکسان نماید. باین معنی که می‌کوشد تا خود را مانند آنها گرداند و نمونه‌ها و سرمشق‌هایی از رفتارشان را بگیرد و آنها را از آن خود سازد. وقتی چنین مرحل‌های فرا رسد دیگر کودک به حضور دائمی پدر و مادر نیاز ندارد تا او را به کارهایی که باید انجام دهد و دارندد و از کارهایی که نباید انجام دهد باز دارند زیرا فرمان‌هایی که قبلاً پدر و مادر به او می‌دادند اکنون همان فرمان‌هایی هستند که او خود بدیگران می‌دهد و اگر از این فرمان‌هایی که خود صادر کرده اطاعت نکند از احساس گناه و تقصیر رنج خواهد برد.

از آنجا که عقیده کودک نسبت به مفاهیم ((درست)) (اخلاقی) ((نادرست)) (خلاف اخلاق) کاملاً بستگی به نمونه‌ها و سرمشق‌هایی دارد که پدر و مادر برای او بوجود می‌آورند پس این نکته قابل اهمیت است که این نمونه‌ها و سرمشق‌ها باید ثابت و استوار باشند. اگر پدر یا مادر اجازه انجام کاری را بکودک

بدهد و دیگری او را از همان کار منع نماید تشخیص درست بودن یا نادرست بودن آن کار برای کودک مشکل می‌گردد. و وقتی پدر و مادر قواعدی از اخلاق و رفتار درست را بکودک می‌آموزند ولی خود با اعمالشان نشان می‌دهند که به آنچه گفته‌اند ایمان و اعتقاد ندارند با احتمال قوی کودک فکر خواهد کرد که این قواعد بی‌اهمیت است. اگر پدر و مادر خود درک صحیحی از ارزشهای اخلاقی نداشته باشند احتمالاً "کودک نیز تصور درستی از این مطلب که چه چیز ((درست)) (اخلاقی) و چه چیز ((نادرست)) (غیراخلاقی) است نخواهد داشت. پدر و مادری که نمونه‌ها و سرمشقهای دقیقی از رفتار برای کودکانشان بوجود می‌آورند و توقع بسیاری از آنها دارند و نسبت به آنها بسیار سختگیر هستند اغلب بیش از آنکه برای کودکان خود مفید باشند زبان آورند. کودکی که نمی‌تواند مطابق دلخواه پدر و مادر خود رفتار کند و از این جهت همیشه خود را بد و گناهکار می‌پندارد ممکن است بدو صورت عکس العمل نشان دهد یا در برابر خواسته‌ها و او امر پدر و مادر سرپیچد تا فرمانی برمی‌دارد و از اطاعت آنها سر می‌کشد یا برای همیشه دارای وجدان اخلاقی بسیار سختگیری خواهد شد.

فردی که دارای وجدان اخلاقی بسیار سختگیر باشد معیارها و ارزشهایی در

زندگی برای خود انتخاب می‌کند که زندگی کردن برطبق آنها برایش غیر ممکن است در نتیجه پیوسته از کارهای بی‌اهمیت و اموری که ناگزیر از انجام آنهاست احساس گناهکاری می‌نماید و از آنجا که پیوسته پدر و مادر به او می‌گفت‌اند که احساس فلان لذت و هیجان و داشتن فلان میل و خواهش نادرست و خلاف اخلاق است شاید به این دلیل، این لذات و خواهشها را سرکوب نماید ولی این وضع نه تنها موجب رنج و عذاب بیهوده او می‌گردد بلکه ممکن است سرانجام به بیماری روحی او نیز منجر شود.

بامشاهده این مطلب که پدر و مادر می‌توانند در بعضی از موارد بر تکامل شخصیت کودک تاءثیر بگذارند اکنون می‌توانیم این دو مساله را مورد بررسی قرار دهیم:

۱- آیا ممکن است این تاءثیرات پایدار بماند؟

۲- آیا معلم می‌تواند در بهبود شخصیت شاگردانش مؤثر واقع گردد؟

پاسخ سؤال اول این است که تجاربی که کودک در سالهای پیش از مدرسه کسب کرده بر شخصیت او اثر خواهد گذاشت. حال اگر تجارب بعدی او شبیه تجارب قبل از مدرسه باشد بالطبع این اثر پایدار و

احادیث و روایات

قال رسول الله :

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ

هر کس بر آئین دوست و هم‌نشین خود است .

الْمَرْءُ : مرد خَاطِلٌ : دوست قَرِينٌ : هم‌نشین

نقش هم‌نشینی و رفاقت

+ آیین اسلام که مترقی ترین ادیان است ، علاوه بر آنکه انسانها را از ارتکاب گناه و معصیت باز می‌دارد ، اصولاً " مؤمنان را از نزدیک شدن به محافل گناه و عصیان باز داشته است .

+ شائن و شرف هریک از انسانها در سایه عمل صالح حاصل می‌شود و در گرو پرستش خدای واحد است .

+ افراد صالح و نیک وقتی می‌توانند با افراد شورور و ناپاب ارتباط پیدا کنند که از نظر تقوی آنچنان قوی و نیرومند باشند که بتوانند تغییرات مطلوب را در آنان بوجود آورند .

نیرومند باشند که بتوانند تغییرات مطلوب را در آنان بوجود آورند و اگر این توانائی را دارا نباشند براساس منطق، عقل نمی - توانند با آنان حشر و نشر داشته باشند . چنانچه کسی در شناگری ماهر نباشد حق ندارد خویشان را بدریا افکنده بشناگری بپردازد. آئین اسلام که مترقی ترین - ادیان است علاوه بر آنکه انسان ها را از ارتکاب گناه و معصیت باز میدارد اصولاً مومنان را از نزدیک شدن بمحافل گناه و عصیان باز داشته است زیرا نخواستہ مؤمنان بادیدن منظره گناه از نظر ذهنی با گناه کردن آشنائی پیداکنند . امام جعفر صادق علیه السلام دراین باره میفرماید :

لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ هِيَجُ فَرْدًا بِأَيْمَانِي نَمِي تَوَانِدُ دَر مَجْلِسِ گناه و لغزش حضور یابد در حالی که توانائی بر جلوگیری و دفع گناه نداشته باشد . بدیهی است کسی که توانائی و قدرت دگرگونی در دیگران را نداشته باشد لامحاله تحت تاثیر تزریقات افراد لاپ ابالی و گناهکار قرار گرفته بفساد و تباهی کشانده خواهد شد .

چگونه آتش خشک وتر را میسوزاند

براساس همین معیار وملاک اسلام اجازه نمیدهد افراد شایسته با افراد ناباب

جهانی که در آن زندگی می کنیم دنیای تاء ثیر و تاء ثر است هر چیزی می خواهد در موجود دیگر اثر بگذارد و این تاء ثیر و ناثر هم در موجودات جامد وجود دارد و هم دربین موجودات جاندار نیز حکم فرماست بعنوان مثال سیل خانه را ویران میسازد هوا نیز بکمک رطوبت آهن را می پوساند زندگی ماشینی هوای تمیز را مسموم میسازد انسان ها نباتات و حیوانات را بخاطر رفاه خود نابود میسازند نورظلمت را از بین میبرد عدل و دادستمگری و تبعیض را محکوم میسازد از اینطرف فساد و تباهی میکوشد صفای دل و اخلاق نیکو را به تیرگی و زشتی بکشاند در یکی از ضرب المنل های ایرانی چنین مثالی شهرت دارد که میگویند : خانه که با ستمگری آباد گشته با عدل و داد ویران میگردد .

جنگ و جدال میان حق و باطل و زشت و زیبا از آغاز آفرینش انسانها آغاز شده همچنان ادامه دارد پیروزی و شکست هریک از این دو جناح در گرو نیرومندی هریک از آن دو میباشد .

روی همین اصل افراد صالح و نیک وقتی می توانند با افراد شرور و ناباب ارتباط پیداکنند که از نظر تقوی آنچنان قوی و

دِفَاعٌ یعنی وقتی بلا نازل شود آنانکه در کنار گناهکاران قرار دارند گرفتار بلا خواهند شد .

از چه کسانی باید برید

امام جعفر صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما چنین نقل میفرماید :

فَيَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَجْتَنِبَ مَوَاحِةَ ثَلَاثَةٍ
الْمَاجِنِ وَالْأَحْمَقِّ وَالْكَذَّابِ

یعنی سزاوار است که هر مسلمانی از دوستی و معاشرت با سه گروه خوداری نماید اول ماجن است. ماجن کسی را گویند که از نظر گفتار و کردار بی مبالا است آنچه بزبانش میآید همان را بیان میکند و آنچه که دلش میخواهد انجام میدهد بدیهی است معاشرت با اینگونه افراد خطرناک است ارتباط با آنان مسموم کننده است علاوه بر این نه بدنیای آدمی خیر میرسانند و نه بآخرت دوستی با آنها قساوت و ستمگری است اما ارتباط با احمق بدیهی است که چنین شخصی نمی تواند راهنمای انسان باشد از این گذشته اگر بخواهد نفعی بانسان برساند بآدمی ضرر و زیان خواهد رسانید امام میفرماید فردی که احمق است مرگش بهتر از زندگی و سکوتش از سخن گفتن بهتر و دوری اش از نزدیکی اش سزاوارتر است .

ولایالی ارتباط برقرار نمایند . از برخی از روایات استفاده میشود که یکی از علل باز دارندگی از این خلط و اختلاط ها نیست که در صورت نزول بلا و گرفتاری افراد شایسته نمی توانند خود را از آن آفات محفوظ نگه دارند .

امام رضا علیه السلام در این باره هشدار

داده میفرماید :

إِمْتَاخًا أَنْ تَنْزَلَ بِهِ نِقْمَةٌ فَتَصِيبُكُمْ
جَمِيعًا " آیا نمی ترسی در آن هنگام که بلا نازل میشود همه شما گرفتار آن بلا گردید؟

پیشوای مسلمانان در ذیل همین روایت میفرماید : در آن هنگام که فرعون بـ لـ لشگریان خود در تعقیب موسی پیامبر و پیروان او بود جوان معتقد و متعهدی در میان لشگریان موسی بود که پدرش در میان لشگریان فرعون قرار داشت وقتی سپاهیان فرعون بموسی نزدیک شدند آن جوان از موسی فاصله گرفته براهنمائی و ارشاد پدر خویش پرداخت پدرش برخلاف پسر در کفر و الحاد اصرار ورزیده از الحاق به پسر خودداری ورزید در همین هنگام که هر دو در کنار دریا قرار داشتند موجی خروشان پدر و پسر را بدل دریا افکنده طعمه امواج خروشان ساخت امام میفرماید : وقتی این داستان را بموسی پیامبر گزارش دادند موسی پیامبر فرمود : آن جوان در رحمت خدا قرار گرفت وَ لَكِنَّ النِّقْمَةَ إِذَا نُزِلَتْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَمَّنْ قَارَبَ الْعَذِيبَ

و اما شخص دروغگو زندگی را برای انسان تلخ میگرداند. نهال دشمنی و عداوت را میان افراد اجتماع پراکنده میسازد آتش کینه توزی ها و دشمنی را در دل های همه مشتعل میسازد بنابراین کوشش کنیم علاوه بر ترک گناه و عصیان از محافل گناه اجتناب کرده از گروه های سه گانه دوری گزینیم تا با ایمان و تقوای ما لطمه ای وارد نیاید .

تجاذب طبیعی و انسانی

در جهان طبیعت بین موجودات بیجان تجاذب و ارتباطی وجود دارد بعضی از جوامد با بعض دیگر بهتر و کاملتر جوش میخورند همین سنخیت و تجانس عامل ترکیبی و پیوندی بین آن دو میگردد البته این سنخیت هر قدر بیشتر و کاملتر باشد ترکیب بین آن دو استوارتر خواهد بود . انسان ها نیز تابع این نظام کلی آفرینش و حقیقت بوده در عین تحقق تفاوت هائی

بین آنان باز در خصوصاتی با یکدیگر اشتراک دارند و همین مشترکات عامل پیوند و دوستی فیما بین آن دو میگردد هر قدر این عوامل اشتراکی گسترش یابد ترکیب دوستی بین آنان قوی تر و استوارتر خواهد بود .

دو دوست بدون ملاک و معیار هیچگاه با یکدیگر دوست نمیگردند بلکه اشتراک در روحیات آن دو را به یکدیگر جوش و پیوند میدهد . علی علیه السلام در تاءئید این واقعیت می فرماید : لَا تَسْتَلُّ عَنِ الْمَرْءِ وَأَسْئَلُ عَنْ قَرِيبِهِ هِجَاةً مِنْ شَخْصِيَةِ أَفْرَادٍ سَوَّالٍ نَكْنِيهِ بِنَكْرِيَةٍ وَ يَبِينُ كَمَا دَوَسْتَانٍ أَوْ جُكُونَةٍ أَفْرَادِي هَسْتَنْدِ وَ جِهَ نَوْعِ رُوْحِيَّاتِي دَارَنْدِ سِپَسِ مِيتُونَايِدِ بِشَخْصِيَةِ أَوْ بِي بِيرِيْدِ .

بانوجه بمباحث مذکور میتوان بعمق فرمایش رسول خدا پی برد که میفرماید هر شخصی بر آئین و دین دوست و هم نشین خود خواهد بود .

نقش خانواده در تربیت نونهالان و نو

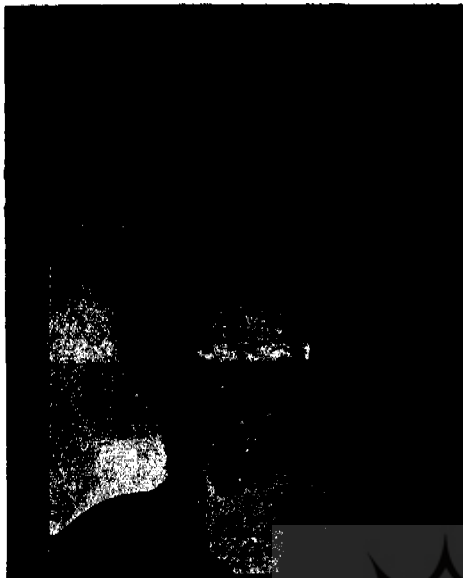
جوانان بسیار حساس است . امام خمینی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخنی با خوانندگان متعهد و مکتبی،
 نامهای از دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و
 تالیف کتب درسی داشتیم که جمله‌ای از
 آنها عیناً نقل می‌کنیم " در دفتر
 تحقیقات و برنامه ریزی و تالیف، "درسی
 بنام " تربیت و تعلیم اسلامی" بوسیله
 گروهی از صاحب نظران در دست برنامه-
 ریزی است. در جلسات این گروه نشریه
 پیوند برای معرفی بعنوان یک منبع در این
 زمینه انتخاب شده‌است" در انتهای نامه
 از هیئت تحریریه خواسته شده بود که در
 یک صفحه نشریه مزبور و هدف آن معرفی
 شود. ما جواب زیر را برای آنها فرستادیم
 و از آنجاکه بفرموده امام کیرمان "میزان
 آراء مردم است" ضمن مرور هدفهای نشریه
 خواستیم این اهداف را باشما خوانندگان
 فهیم و متعهد در میان گذاریم و بدینوسیله
 باشما مشورت کرده و نظر خواهی نمائیم که
 آیا اهداف ما را کامل می‌دانید؟ برآن
 چیزی نمی‌افزائید و یا از آن نمی‌کاهید؟
 درهر صورت مامنتظر اظهار نظر پیر محبت
 و صمیمت شما هستیم و اعتقاد کامل داریم
 که خط اصلی ما اسلام و هدف ما خدمت

به مسلمین و ایجاد رابطه اسلامی، انسانی
 بین اولیاء و مربیان است.
 خداوند توفیق عنایت فرماید

این مجله توسط انجمن اولیاء و مربیان
 ایران بصورت ماهانه منتشر می‌شود.
 هدف از انتشار آن اینستکه پدران و مادران
 اطفال و معلمان مدارس از آن استفاده کنند
 و محتوای مجله را مطالب تربیتی و اخلاقی
 تشکیل میدهد.
 قسمت اعظم مطالب تربیتی و از دیدگاه
 اسلامی است. اما مسائل تربیتی از نظر
 متخصصان غربی نیز درج می‌شود. و قصد
 آنستکه افکار غربی شایع که در برابر اسلام
 بهائی ندارند، زایل شوند.
 مطالب مندرج در آنرا بطور کلی میتوان
 تحت عناوین زیر طبقه بندی کرد:



- ۱- توصیه های تربیتی اسلام در زمینه پرورش جسمی و معنوی کودکان و نوجوانان و جوانان .
- ۲- مسائل بهداشتی بمنظور پیشگیری از ابتلاء .
- ۳- احادیث و اخبار در رابطه با آموزش و پرورش .
- ۴- اصول اعتقادی و اخلاقی اسلام در رابطه با تربیت .
- ۵- مسائل و اخلاقیات اجتماعی .
- ۶- بخش داستان .

از این مجله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون ۲۲ شماره منتشر گردیده است منبع تهیه مقالات بطور عمدتاً مجرا است :

الف - منتخبی از نوشته های کتابها و مجلات دیگر

ب - مقالاتی که توسط افراد داوطلب ارسال می شود .

ج - مقاله هایی که هیات تحریریه فراهم می آورند .

تعدادی که از این مجله در همراه منتشر می شود تاکنون رو به افزایش بوده است و این نشانه حسن استقبال اولیاء و مربیان از این مجله بوده است .

از مسائل سیاسی تاکنون مقالاتی درج نکرده است ، اما تصمیم دارد از این بعد تا آن حدی که مسائل سیاسی به تعلیم و تربیت اولیاء و مربیان ربط پیدا می کند ، مطالبی تهیه نماید و درج کند .

در مسائل اقتصادی تاکنون ساکت بوده است اما درج مطالبی در حیطة اقتصاد خانواده و مسائل اسراف و تبذیر و صرفه جوئی و تولید و مصرف در سطح عام تهیه و درج نماید .

در مباحث روش تدریس ، کلاس داری و مدیریت مدرسه و خانه تاکنون مطالب منظمی نداشته است . ولی تهیه و نشر چنین مقالاتی را نیز در حوزه مسئولیت خود می داند .

آموزش فنی با معرفی امی

درویا درمان



و اسلامی و نفی ارزشهای اصیل جامعه در جهت حفظ منافع ابرقدرتها و سلطه و نفوذ آنها بر جامعه ما برنامه ریزی شده بود جز توسعه بی رویه در کلیه سطوح خصوصا سطح عالی، اهمیت خارج از واقعیت برای تحصیلات دانشگاهی قائل شدن، تشویق دانش آموزان و دانشجویان به کسب مدرک

از جمله دست آوردهای سرنوشت ساز انقلاب اسلامی، دگرگونی در زمینه تعلیم و تربیت بطور اعم و آموزش فنی و حرفه‌ای بطور اخص میباشد. سیستم تعلیم و تربیت که با تاثر از برنامه‌ها، اصول و فلسفه غربی و نادیده انگاشتن نیازمندیهای جامعه و فرد، طرد و یزگیهای غنی فرهنگ ملی

محض، بی تفاوتی به منابع و شعائر دینی و مذهبی، کوشش در محو مکتبخانه‌ها و مراکز دیگر تربیتی از قبیل مساجد و حوزه‌ها، ترویج مراکز فساد، فحشا، قمارخانه‌ها و عشرتکده‌ها، شیفتگی و خود-باختگی در برابر هرچه که تعلق به غرب داشت، کم ارزش جلوه دادن کارهای یدی و توجه ظاهری به رشته‌های فنی، هدفی نداشت. بنابراین دوران انتظار نبود که:

- ۱- نسبت هنرستانها و رشته‌های فنی نسبت به دبیرستانها و رشته‌های نظری در شهرهای بزرگ بسیار کم و جزئی بوده و در شهرهای کوچک و مناطق دور افتاده هنرستانها وجود خارجی نداشته باشند.
- ۲- هنرستانها اکثرا محل تجمع دانش آموزانی که راندمان تحصیلی آنها کم و گاه ناچیز بود کردند.
- ۳- شکوه و شکایت معلمین هنرستانها از هنرجویان بعلت اینکه شاگردان آمادگیهای لازم را برای درک و فهم مطالب نداشته و به رشته تحصیلی خود بی علاقه هستند به آسمان بلند باشد.
- ۴- سرپرستی هنرستانها در بیشتر موارد بعهدده اشخاصی محول گردد که در زمینه رشته‌های تحصیلی هنرستانها تجربه اطلاع و تخصصی نداشته و صرفاً بمناسبت آشنائی با مسئولین و یادداشتن توصیه‌نامه از مقامات بالا، پست سرپرستی را احراز کرده باشند.

۵- والدینی که فرزندان آنها از استعداد و تواناییهای فنی برخوردار بودند هنرستانها را محل مناسبی برای پرورش و رشد استعدادهای فرزندان خود به حساب نیاوردند.

۶- هنرجویان هنرستانها درمقایسه با دانش آموزان دبیرستانها از ارزش و اعتبار و اهمیت کمتری برخوردار باشند

۷- دبیرم هنرستانها به دبیرم ناقص اشتها ریابد.

۸- هنرجویان پس از اتمام دوره هنرستان مانند سایر فارغ التحصیلان دوره متوسطه به سهولت جذب بازار کار نگردند.

۹- فارغ التحصیلان هنرستانها از ادامه تحصیل در سطح عالی، جز در موارد بسیار نادر، محروم باشند.

۱۰- و بالاخره، مسئولین اموراستخدامی کارخانه‌ها و مؤسسات از استخدام فارغ التحصیلان هنرستانها، بعلت عدم آمادگی و نداشتن تجربه لازم برای کار، امتناع ورزند.

اثرات نامطلوب چنین وضعی که بر اوضاع آموزش فنی و حرفه‌ای وقت حاکم بود سبب شده بود که هنرستانها از مسیر اصلی خود که تامین و تربیت نیروی انسانی ماهر است منحرف گردند. اکثر دانش آموزان بسا استعداد، مایل و راغب به رشته‌های فنی از تحصیل در هنرستانها، در نتیجه طرز تلقی و نگرش منفی مردم نسبت به این

بی توجهی مسئولین به این نوع آموزش حیاتی و ناچیز شمردن امتیازات آن در جهت شکوفائی جنبه‌های اقتصادی، تربیتی و فرهنگی کشور و تحقیر اکتساب مهارت‌های فنی، آموزش فنی و حرفه‌ای بناحق در اذهان و افکار عمومی بی ثمر و نتیجه جلوه‌گر گردد و وجوه بر تربیش برآموزش نظری طوطی وار در پردمای از ابهام و تردید قرارگیرد.

امروزه که هدف خود کفائی در تمام زمینه‌ها و نفی هرگونه وابستگیها میباشد تربیت متخصصان مؤمن و متعهدی که در خدمت ملت و اسلام باشند و در جهت رفع نیازمندیهای جامعه اسلامی ما تخصص خود را بکار گیرند و بتوانند چرخ‌های عظیم صنعت را بادهستهای توانای خود به گردش در آورند و موجبات بی نیازی از اجانب را بطور کلی در کلیه زمینه‌ها فراهم آورند از اولویت خاصی برخوردار میباشد. در

قبیل مراکز آموزشی، طفره بروند. بیشتر کارخانه‌ها، مؤسسات و سازمانها از وجود هنرستانها و فرآورده‌هایش اطلاعی نداشته باشند. جامعه در تاءمین تکنیسین‌ها و سایر افراد متخصص مورد احتیاج خود دست نیاز به طرف کشورهای بیگانه دراز نموده و در جهت تحکیم هرچه بیشتر وابستگیها قدم بردارد. و سرانجام، والدین نه تنها هنرستانها را مکان مساعدی برای تربیت و پرورش فرزندان خود ندانند بلکه آنها را مانع، رادع و سدی در جهت رشد و اعتلای فرزندان خود بشمار آورند.

بطور خلاصه، هنرستانها و مراکز دیگر آموزش فنی و حرفه‌ای با تمام نقش و اهمیتی که در تربیت و تأمین نیروی انسانی ماهر مورد احتیاج جامعه میتوانند داشته سباشند نه تنها بطور صحیحی از آنها بهره برداری نگردید بلکه بواسطه غفلت و

دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح شود،
آن کشور اصلاح میشود. «امام خمینی»

این رابطه — :

۱- هنرستانها بعنوان مراکز مهم و عمده تامین نیروی انسانی متخصص اهمیت شایان توجهی پیدا کرده‌اند .

۲- گسترش رشته‌های تحصیلی هنرستانها مورد توجه بیشتر مسئولین امور قرار گرفته‌اند .

۳- برنامه ریزی در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای اهمیت ویژه‌ای یافته‌است .

۴- استفاده از معلمین مؤمن و کاردان و ارزشیابی از کار آنها در سرلوحه اقدامات قرار گرفته‌است .

۵- تبلیغات صحیح، گسترده و دامنه‌داری در زمینه معرفی رشته‌های تحصیلی هنرستانها به دانش آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی و همچنین اولیاء انجام پذیرفته‌است .

۶- انتخاب دانش آموزان با استعداد و با هوش مدارس راهنمایی تحصیلی از طریق کنکور جهت تحصیل در هنرستانها معمول و متداول گردیده‌است .

اقدامات و فعالیت های فوق موجب شده است که آموزش فنی و حرفه‌ای که سالهای سال به سبب تبلیغات سوء و خارج از واقعیت از مسیر خود انحراف یافته بود کم‌کم جای واقعی خود را در جامعه‌ها بیابد و در جهت هدفهای اصلی خود که تربیت افراد متخصص و کاردان با توجه — نیازمندیهای جامعه می‌باشد گام بردارد و

به صورت درمان و نه درد در جامعه اسلامی ما جلوه‌گر گردد . در مانی باشد برای :
۱- صاحبان کارخانه‌ها و مؤسسات که دستگاهها و ماشین آلات عظیم و پیچیده موجود در کارگاههای آنها بعلت نبودن افراد کاردان ، متخصص ، دلسوز و مؤمن یا بطور کلی راکد مانده‌اند یا بهره برداری از آنها از حداقل تجاوز نمی‌کند .

۲- دانش آموزان با استعداد و علاقمندی که بخاطر جو نامطلوب حاکم بر اوضاع آموزش فنی و حرفه‌ای مجبور بودند مقایر با رغبت و توانائی‌های خود رشته‌ای را برای ادامه تحصیل برگزینند که گاه کوچکترین تمایل یا شوق و ذوقی به آن احساس نمی‌کردند .

۳- اولیائی که ناگزیر بودند فرزندان علاقمند و شیفته خود را به رشته‌های فنی با تشویق و یا حتی تهدید راغب به ادامه تحصیل در دبیرستانها و سپس دانشگاه نمایند .

۴- جامعه اسلامی ما که با داشتن امکانات فراوان هم از لحاظ نیروی انسانی و هم از لحاظ منابع طبیعی ناچار بود چرخهای صنعت خود را بدست متخصصان بیگانه ، که هدفی جز گسترش و تداوم استعمار و استثمار ملت ما در نمی‌پروراندند ، به گردش درآورد .

منوچهر و کیلیان

آیا نمی‌پندارید؟

آفلایند بروت

اسرار صاعقه:

بصورتی که در جو موجود است قابل استفاده گیاه نبوده و بنابراین بصورت غیر قابل استفاده خواهد ماند.

برای آنکه نباتات بتوانند از این ازت استفاده کنند باید همانند غذاهائی که ما میخوریم در آن تحول شیمیائی رخ دهد تا قابل جذب شود و برق با برنامه‌ای بسیار تعجب‌آور این تحول را ممکن میسازد. در مسیر برق‌حرارت مولکولهای هوا به ۳۰۰۰۰ درجه میرسد و در این حرارت ازت با اکسیژن هوا ترکیب شده تبدیل به اکسید ازت میگردد که قابل حل در آب است. آنگاه در دانه‌های باران حل شده بصورت اسید نیتریک رقیقی بر روی خاک میریزد اسید نیتریکی که به این ترتیب در زمین پراکنده شد به مواد معدنی محتوی در خاک حمله‌ور میشود تا برای گیاهان نیترات‌های قابل جذب تولید کند.

آیا اینکار عجیب نیست؟ آیا نعمت عظیمی نیست که همراه با این مصیبت‌ها برای زندگی ما بارمغان آورده میشود؟ یقیناً هرعاقلی اعتراف خواهد کرد در پس این پدیده‌های شگفت‌انگیز نیروئی علیم و خبیر وجود دارد.

سیر برق تقریباً ۳۰۰۰۰ بار از گلوله تفنگ سریعتر است و درست است که صاعقه یا برق هر ساله مانند بسیاری از سوانح و



حوادث طبیعی خسارات و ضایعات فراوانی ببار آورده و موجب ویرانیهای فراوانی میگردد یعنی اینکه جنگلهای بیشماری رابه آتش کشیده و ضررهای میلیاردری به انسانها میزند ولی این حقیقت را از نظر نباید دور داشت که:

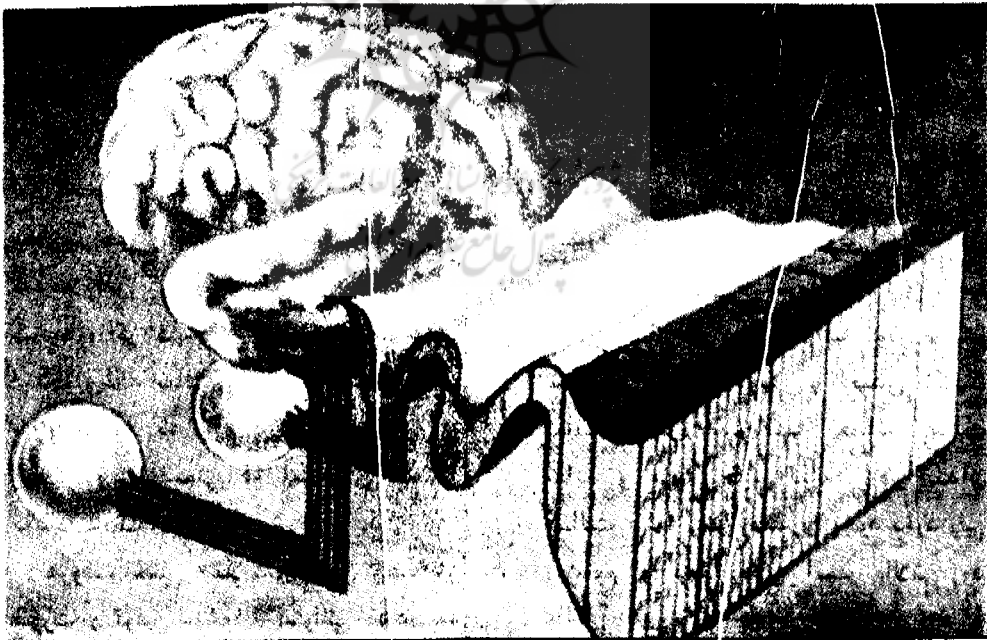
"حیات و زندگی در روی کره زمین بدون آن محال خواهد بود."

توضیح مطلب از اینقرار است: ۸۰ درصد جو زمین را ازت تشکیل داده یعنی بر روی هر کیلومتر مربع از کره زمین ۸/۶ میلیون تن ازت قرار دارد این ازت که برای تغذیه نبات کمال لزوم و ضرورت را داراست

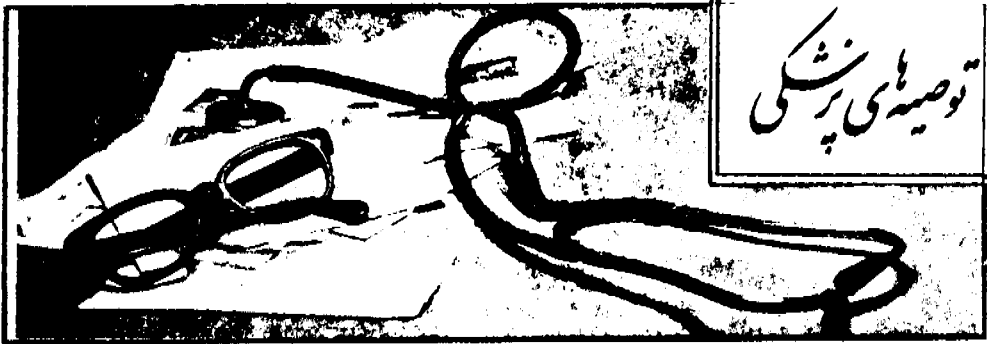
قرارگرفته و تارهایی را که دارای یک نقش
 میباشند جمع نموده‌اند (در این تصویر
 سلولهای موصوف ، بصورت خطوط —
 — عمودی ، افقی یا مورب نشان داده
 شده‌است) و بصورت سلولهای استوانهای
 بینائی در آورده‌اند که ادامه رشته تارهای
 (شماره ۲) به چشم راست و (شماره
 ۱) به چشم چپ منتهی میشود مجموعه‌ی
 کورتکس بینائی ، از جزایر کوچک مشابه به
 ابعاد یک میلیمتر مربع در دو میلیمتر قطر
 تشکیل شده‌است که در هریک از آنها
 مجموعه‌ای از سلولهای دارای گرایشهای
 مختلف جمع شده‌است . هر جزیره کوچک
 یک واحد کامل را تشکیل میدهد و مسئولیت
 بخش کوچکی از میدان دید را عهده‌دار
 میباشد .

مغز بینائی

کورتکس (cortex) یا لایه بیرونی مغز
 متعاقب پژوهش‌های دانشمندان دیگر بهیچ
 وجه آن جنگل ناشناخته نیست که
 "نرون‌ها" در آن بزحمت از نقاط بزرگ
 تخصص یافته و مراکز گویائی "بینائی"
 حرکت و غیره قابل تشخیص دانشمندان
 با مطالعه سیستماتیک پاسخهای یکایک
 سلولهای فضای بینائی به علائم نورانی
 متناسب ، موفق شدند سازمان این منطقه
 از کورتکس را دقیقاً " مشخص نمایند .
 در این منطقه ، سلولها بصورت ورقه ورقه



توصیه های پزشکی



اوربون (بناگوشک)

مطرح میشود آنست که آیا این تورم مربوط به اوربون (یعنی عفونت خاص غده بناگوشک) است؟ یا بعلت یکی از امراض نادر و عود کننده غده بناگوشک و یا مربوط بتورم و التهاب (یکی از غدالنفای گردن میباشد؟ غدالنفای معمولی گردن که در نتیجه گلو دردگاهی ملتهب و متورم میشود در قسمت پائین گردن قرار گرفته بنرمک گوش نمیرسد و تورم نیز از استخوان فک تجاوز نمیکند .

وقتی طفل خردسالی مبتلابه اوربون میشود، اولین چیزی که مورد توجه قرار میگردد تورم ناحیه زیر گوش است . طفل بزرگتر، بکروز قبل از شروع تورم این ناحیه ممکن است از درد اطراف گوش و گلو مخصوصاً هنگام جویدن و بلعیدن، شکایت نماید . طفل ممکن است احساس کسالت نماید و حالش خوش نباشد، در ابتدای کسالت غالباً تب مختصری وجود دارد ولی روزدوم و سوم ممکن است بالاتر رود غالباً تورم از یکطرف شروع شده بعد از

اوربون اساساً کسالت غدد بزاقی است، ولی بیشتر از همه، غدد بناگوشک (پاروتید) که در حفره ایکه درست زیر نرمک لاله گوش قرار گرفته است، مبتلا میشود . این غده موقع ابتلاء باین کسالت ابتدا این حفره را پر میکند و بعد تورم آن یکطرف صورترا بطور کامل فرامیگیرد . در نتیجه این تورم، نرمک گوش بیلا رانده میشود و اگر انگشت خودرا در قسمت عقب استخوان فک بیلا و پائین بکشید، حس خواهید کرد که تورم در قسمت جلوی آن قرار گرفته و قسمتی از استخوان فک را پوشانده است .

هروقت طفلی مبتلا بتورم این ناحیه از صورت و گردن میشود، سئوالی که همیشه

گاهی اوقات باعث منزیت مخصوصی بنام منزیت اوربونی میشود که طفل تب تندی میکند، گردنش شق میشود و هذیان میگوید. این عارضه ممکن است، ندرنا " خطرناک باشد. ابتلاء لوزالمعده ممکن است باعث درد شدید شکم و استفراغ گردد.

اوربون یکی از امراض مسریهای است که بعضی از اطباء، من جمله خود من نیز تصور میکنند میتوان دو باری آن مبتلا شد بنابراین بی جهت خود را در معرض مبتلایان باوربون قرار ندهید. اگر هر دو غده بنا گوشک هم مبتلا شده باشد، باز هم تفاوتی نمیکند و ابتلاء مجدد امکان دارد.

یکی دو روز طرف دیگر هم مبتلا میشود. گاهی اوقات یک هفته یا بیشتر طول میکشد تا غده طرف دیگر مبتلا شود و در بعضی موارد طرف دیگر هرگز متورم نمیشود.

غیر از غدد بنا گوشک غدد بزاقی دیگری هم وجود دارد که گاهی مبتلا باوربون می شود. غدد زیرفکی در قسمت تحتانی استخوان فک قرار گرفته است. غدد زیر بزاقی درست در عقب چانه (در زیر زبان) واقع شده است. گاهی شخصی ممکن است بدون اینکه مبتلا " بتورم غدد بزاقی گردیده باشد دچار عوارض ثانوی اوربون شود.

اوربون خیلی خفیف در ظرف سه تا چهار روز بر طرف میشود. دوره متوسط تورم غدد بزاقی یک هفته الی ده روز می باشد.

اوربون ممکن است به بیضه های مرد ها و پسرانیکه بسن بلوغ رسیده باشند سرایت نماید. معمولا " فقط یکی از بیضه ها مبتلا میشود. ولی حتی اگر هر دو بیضه هم مبتلا گردد، عقیم شدن (یعنی عدم توانائی برای تولید بچه) نادر است. در هر حال صلاح پسر ها در آنست که قبل از بلوغ اوربون بگیرند. بعضی از اطباء توصیه میکنند که پسر های نا بالغ عمدا " با مبتلایان باوربون تماس حاصل نمایند تا بآن مبتلا شوند. مرد ها و پسر های بالغ باید از تماس با بیمار ان اوربونی اجتناب نمایند. اوربون



بقیه در صفحه ۵۴

کلاس درس یا مغازه؟!

پیتو دوست داشتی معلم‌ها چطور بودن؟
شاگرد دومی جواب داد:
پدلم می‌خواست همه اونا مهربون بودن و
هیچوقت شاگردی رو تنبیه نمی‌کردن.
شاگرد اولی گفت:

نه... اینکته زیاد مهم نیس... من دلم
می‌خواست معلم‌ها هم درست مت
مغازه‌دارها بودن...

یعنی چه؟

یعنی اینکه بالای سرشون تابلویی زده
می‌نوشتن: درسی که داده شده، هرگز
پس گرفته نمی‌شود!!

✦ علاج بیسوادی

پدر: پسر من بیا این نامه را بخوان

پسر: آخه پدر منکه سواد ندارم!

پدر: مگه نگفتم برو درس بخوان؟

پسر: من از کجا می‌دونستم که برای ما

"نامه" می‌اد!

✧ حل مسئله

دوتا مادر، جلو دریک مدرسه داشتند در
بارهٔ اختلاف میان بچه‌هایشان باهم حرف
می‌زدند، آنها هرکدام از بچه خودشان
دفاع می‌کردند.

یکی از آنها می‌گفت: ببینید خانم، من
حرفی ندارم که پسر شما حل مسئله‌هایش را
از روی دفتر پسر من بنویسد چیزی که من
نمی‌توانم تحمل کنم این است که هر وقت
که حل مسئله‌های پسر من غلط است پسران
پسر مرا می‌زند!

سوره
ایر

۱- "سیره" یعنی چه؟

۲- احکام امضائی چیست؟

۳- منظور از اسماء الله چیست؟

۴- قسط اسلامی را تعریف کنید.

از درخت پرید آنهم سرد شد. از غارهای معروف . ۸- از حروف ندا ۹۰- جوابگویان مسائل علمی .

عمودی :

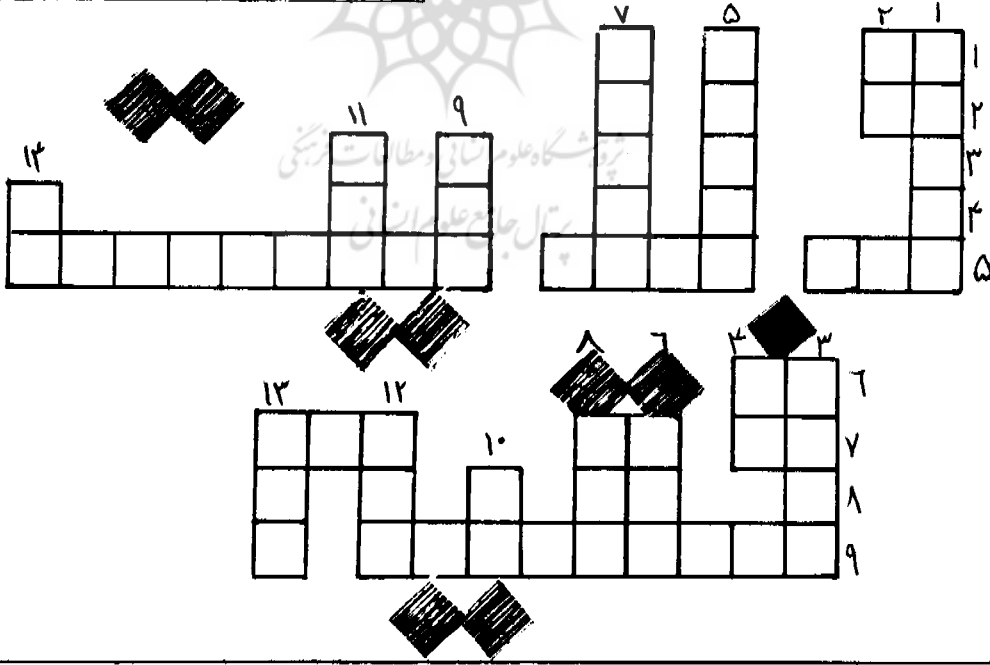
- ۱- یکی از اصول دین ۲- سیما ۳- بازگشت
- ۴- والده ۵- ایمان به یگانگی خدا-عشقم
- زدن زمین ۷- سیدالشهدای زمان ۸- یکی
- از شهرهای سوریه ۹- آتسفر ه ۱۰- مورد قبول
- واقع نشده ۱۱- نفی عربی ۱۲- نیکو ۱۳-
- شیرعرب ۱۴- کلمه تحسین



افقی :

- ۱- بهشت بی پایان ۲- مدیر بدن
- ۵- برای مسلمان تنها در برابر خداجائز است . نترس و باشامت . اصلی که موجب گسترش و حفظ اسلام میباشد .
- ۶- من و شما ۷- اخوی پدر . زمانی که سار

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ر	و	ت	د	ت	د	ر	ب	د	س	س	ع	س	ع	س
ی	ا	م	ی	ا	س	ا	ی	و	ر	ا	س	د	س	ع
ا	ر	ا	ک	ر	ا	ک	ر	ا	ک	ر	ا	ک	ر	ا
ا	م	و	و	ا	د	ه	و	ا	د	ه	و	ا	د	ه
و	و	ا	ر	ا	ر	ا	ر	ا	ر	ا	ر	ا	ر	ا
س	ر	ا	س	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
ا	م	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د
ر	ا	ج	ا	ن	ق	ا	ن	ج	ا	ر	ع	م	ع	م
ب	ل	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب



خواهد کرد .

۴- قاطعیت در امر مورد نظر مهم است
لحن منع ها باید بگونه ای باشد که او بداند
مسئله کاملا " جدی است و بهیچ وجه
نمی تواند از آن عدول کند .

۵- اجرای انضباط کامل باشد نه ناقص .

۶- در عین اجرای انضباط باید فرزندان
را دوست داشت و بهای آن ها را مورد توجه
قرار داد .

۷- در حدود امکان باید آنها را از محبت
سیراب کرد . چه قبل و چه بعد از اجرای
انضباط و در امر و نهی ، از پدید آمدن
آزردگی خاطر باید جلوگیری بعمل آید .
نوازشها ، جایزه دادن ها ، چشم پوشیها ،
بیان مراتب دوستی خود میتواند تا
حدود زیادی کار ساز باشد .

۸- و بالاخره چیزی که در اجرای انضباط
برای ما مهم است در نظر داشتن رضای
خداوند است . از آن بابت که کودک امانت
او بدست ماست در حفظ این امانت و
گرامیداشت او باید کمال مراقبت
را داشت .

بقیه از صفحه ۵۱

وقتی باور یون مشکوک میشوید باید آنرا به
طیب نشان دهید چون تشخیص حتمی این

کسالت بسیار مهم است . زیرا اگر تورم
مربوط بتورم و التهاب غدد لنفاوی باشد
درمان آن کاملا " متفاوت خواهد بود .

تاخاتمه تورم ، طفل را باید بستری
کرد . بعضی از مردم در جریان مرض اور یون
نمی توانند غذاهای ترش مزه مانند آب لیمو
بخورند (زیرا باعث درد شدید غده تورم
میشود) ولی در بعضی دیگر تاء ثیری
ندارد . بنابراین آب لیمو و سرکه وسیله
اثبات اور یون نیست . دوره کمون اور یون
دوالی سه هفته است .

بقیه از صفحه ۳۷

استوار می گردد ولی چنانچه تجارب بعدی
بسیار متفاوت باشد این اثر ضعیف تر
خواهد شد . این مطلب که آیا تاء ثیرات
تجارب اولیه از میان خواهد رفت یا نه
کلا " باین مربوط می شود که کودک تا چه
حد تحت تاء ثیر این تجارب بوده است .
شواهدی موجود است که نشان می دهد معلم
نمی تواند در مورد کودکانی که در نتیجه
محرومیت شدید دارای (خوی بی مهری)
گشته اند بسیار مؤثر باشد . این قبیل
کودکان قادر نیستند بدوستی و محبت
دیگران پاسخ دهند و احتمالا " نمی توانند
دو باره این قدرت را بازیابند مگر آنکه
تحت مراقبت و تربیت پدر و مادر یا